بازتاب

۲۹ کشور نیروهای تهاجمی سایبری یا اطلاعاتی دارند

● دولت‌های متعددی در حال سرمایه‌گذاری بر روی جنگ‌های سایبری هستند. رقابت بر سر ساخت و گسترش تسلحیات سایبری، خلاف تسلیحات پیشرفته دیگر، تنها محدود به کشورهای توسعه‌یافته نیست. حتی کشورهای با منابع کمتر نیز قادرند موازنه قدرت را در دنیای سایبری بر هم بزنند. جنگ‌هایی که در آنها موقعیت جغرافیایی، منابع طبیعی، بزرگی و جمعیت کشور نقش پررنگی ندارند. بسیاری دولت‌ها، تسلیحات سایبری را ابزاری برای فعالیت‌های مربوط به جاسوسی می‌دانند. اطلاع از آنچه کشورهای دوست و دشمن انجام می‌دهند، احتمال غافلگیرشدن یک دولت را کاهش می‌دهد. در این کشورها، ساخت تسلیحات سایبری همچون بدافزارهای فوق‌پیچیده و طرح‌ریزی حملات پیشرفته سایبری بخشی از پروژه امنیت ملی است. مهندسی شبکه‌گستر در گزارش خود آورده است: براساس آمار ارائه‌شده از سوی نشریه وال‌استریت ژورنال، بیش از ۶۰ کشور درگیر ساخت تسلیحات سایبری هستند و ۲۹ کشور نیروهای تهاجمی سایبری یا تیم‌های اطلاعاتی دارند. همچنین ۴۹ کشور ابزارهای نفوذ سایبری را خریداری می‌کنند و ۶۳ کشور از ابزارهای سایبری برای رصد فعالیت‌های خارجی یا داخلی بهره می‌گیرند. گزارش شرکت امنیتی McAfee حاکی از آن است که فاصله میان توانایی‌های دولت‌ها و قابلیت‌های در دست کاربران عادی، در دنیای سایبری، هر روز بیشتر می‌شود. با بودجه‌های میلیارددلاری و نیروهای متخصص، ارتش‌های سایبری به‌سرعت در حال تکامل هستند؛ به‌نحوی که می‌توان گفت دنیای سایبری بعد از زمین، آسمان، دریا و فضا پنجمین دامنه عملیاتی است. مهم نیست دلیل ساخت این تسلیحات چیست؛ آنچه امروز شاهد هستیم، مسابقه میان دولت‌ها بر سر پیشی‌گرفتن در جنگ‌های سایبری است، اما بدافزارها، جاسوس‌افزارها و حملات سایبری بسیار متفاوت با جنگنده‌ها، ناوها، موشک‌ها و... هستند. بر خلاف زرادخانه‌ها، نرم‌افزارها و در حقیقت کدهای آنها به‌راحتی امکان انتقال دارد. بر خلاف سلاح‌های سنتی که با اصابت به هدف، به همراه هدف از بین می‌روند، بدافزارهای سایبری به محض ورود به اینترنت، به‌راحتی می‌توانند ضبط، منتقل، مهندسی معکوس و تکثیر شوند. این ابزارها می‌توانند به‌آسانی در اختیار خراب‌کاران سایبری یا مهاجمان دیگر قرار گرفته، به تولید انبوه برسند و

از آنها علیه مردم و زیرساخت‌های حیاتی یک کشور استفاده شود. نفوذگران ممکن است از بهره‌جوهای آنها برای سوءاستفاده از ضعف‌های امنیتی تا آن زمان ناشناخته، استفاده کنند یا از روش‌های نوین آنها در فرار از سد نرم‌افزارها و تجهیزات امنیتی در بدافزارها یا حملات خود الهام بگیرند. اگر به صورت عمومی به اشتراک یا به فروش گذاشته شوند، هر کس حتی نفوذگران تازه‌کار هم می‌توانند از کدهای آنها برای تحقق اهداف مخرب خود استفاده کنند. چیزی که پیش‌تر هم رخ داده و بخش‌هایی از کدهای یک بدافزار فوق‌پیچیده در بدافزارهای ساخت ویروس‌نویسان عادی استفاده شده است؛ بنابراین اصلا دور از انتظار نیست یک سلاح سایبری در نهایت به دست خراب‌کاران افتاده و از آنها بر ضد کسب‌وکارها، شهروندان و اهداف دیگر استفاده شود و این همان نتایج ناخواسته این‌گونه تسلیحات است. حالا این سؤال پیش می‌آید که آیا دولت‌ها با آگاهی از این موضوع که این سلاح‌ها می‌توانند در اختیار افراد خراب‌کار قرار بگیرد و بر ضد افراد بی‌گناه و زیرساخت‌های اساسی استفاده شود، از این سلاح‌ها استفاده می‌کنند؟ این تصمیمی است که هر دولت با بررسی ریسک‌ها و نتایج احتمالی در شرایط پیش‌آمده می‌گیرد. زمانی که دولتی اقدام به ساخت یک سلاح سایبری می‌کند، باید به فکر ساخت سیستمی برای مقابله با آن نیز باشد و این را در نظر بگیرد اگر سلاح، مهندسی معکوس شده و ضد سازنده و متحدانش استفاده شود چه نتیجه‌ای خواهد داشت؟

وظیفه متخصصان امنیتی، حفاظت از امنیت کاربران، سازمان‌ها و زیرساخت‌های کشور است. نه‌تنها در برابر حملات نفوذگران، که حتی ارتش‌های سایبری؛ برای این منظور لازم است این متخصصان از حملات دولتی آگاه باشند. بدافزارها و حملاتی که امروز دولت‌ها توسعه می‌دهند، فردا می‌توانند به مشکلی برای امنیت سایبری جهان تبدیل شوند. بررسی حملات و خراب‌کاری‌های نفوذگران و جرائم سایبری سازمان‌یافته کاری دشوار است، اما مقابله با بدافزارها و حملاتی که با منابع نامحدود دولتی سازماندهی می‌شوند بسیار دشوارتر است. این بدافزارها و حملات می‌توانند قوی‌ترین گروه‌های امنیتی را به چالش بکشند؛ پس متخصصان امنیتی باید هر لحظه برای مقابله با آنها آماده باشند.

جزئیات «مدل جدید قراردادهای نفتی ایران» اعلام شد

ادامه از صفحه ۵

یعنی مانند مجلس که برنامه و بودجه هر سال دولت را تصویب می‌کند، ایران می‌خواهد کمیته‌ای را ناظر بر قراردادهای نفتی بگمارد تا به طور سالانه برنامه و بودجه آن قرارداد را از پیمانکار گرفته و بررسی و تصویب کند؟ آن‌وقت این سؤال پیش می‌آید که معیار تشخیص و تصمیمات این گروه چه خواهد بود؟

یک کمیته مشترک مدیریتی از نمایندگان پیمانکار و کارفرما تشکیل خواهد شد که ناظر بر انجام قرارداد است. از هر دو طرف به تعداد مساوی در این کمیته عضویت خواهند داشت. تصمیماتش هم به اتفاق آرا گرفته می‌شود. این کمیته شرح کار، برنامه و بودجه سالانه قرارداد را بررسی و تأیید می‌کند. اینکه برای توسعه یک میدان نفتی چند چاه بزنند، یا برآورد بازار چطور است و وضعیت حفاری و قیمت دکل چگونه باشد، هر سال از سوی این کمیته بررسی و برای آن بودجه تصویب می‌شود. برنامه‌های تولیدی هم براساس آخرین واقعیت‌های میدان و وضعیت بازار مصوب خواهد شد، بنابراین اگر برنامه‌ای بخواهد آسیبی به میدان نفتی برساند، این اجازه داده نخواهد شد که به هر میزان و به هر شکل نفت تولید شود. درست است که پیمانکار برنامه‌های بلندمدت مثلا پنج تا ۱۰ساله می‌دهد، اما هر سال برنامه آن مجددا براساس واقعیت‌ها بررسی می‌شود. اگر بخواهم با یک مثال موضوع را روشن کنم باید بگویم درست مانند بچه‌ای که در حال رشد است، نظامات مقرر در IPC از میدان نفتی مراقبت می‌کند.

شما به تأیید هر ساله برنامه پیمانکار در توسعه و تولید صیانتی نفت براساس واقعیت میادین به عنوان راهکاری برای حفاظت از میادین نفتی اشاره کردید. حالا سؤال این است که اگر قیمت نفت هم تغییر کرد و هزینه‌های پیمانکار افزایش یافت، آن کمیته حاضر است در مبلغ قرارداد تغییر ایجاد کند؟

بنده در پاسخ سؤال قبلی به توجه کمیته مشترک به واقعیت‌های بازار اشاره کردم. طبیعتا وقتی قیمت نفت از ۵۰ دلار به ۱۵۰ دلار برسد که سابقه هم داشته است، هزینه‌های پیمانکار افزایش می‌یابد. فرمول‌هایی برای سقف و کف قرارداد وجود دارد که این مشکل را برطرف خواهد کرد. IPC یک مدل عملیاتی است که به دنبال حفظ و افزایش منافع ملی و درنظرگرفتن و همسوکردن منافع دو طرف قرارداد، توسعه بهینه و تولید صیانتی از میادین نفتی است. درعین‌حال، معتقدم نمی‌توانیم ادعا کنیم IPC یک مدل ایده‌آل است. ممکن است در نظریه‌ای، مباحث مختلفی مطرح شود که در هر کدام برخی مواردش بهتر باشد. اما باید یک مدل عملیاتی شود تا به‌مرور نقاط قوت و ضعفش پدیدار و رفع شود. درست مثل قراردادهای بیع متقابل که دو، سه بار اصلاح شد.

مایلم از منظر سود پیمانکار هم به نکاتی که شما گفتید نگاه کنیم. فرض کنید کمیته مشترک با نظر کارفرما تولید از میدان نفتی را محدود کند. این مسئله سود پیمانکار را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. چون به ازای تولید هر بشکه نفت، قرار است سود بگیرد. چرا باید نظر کارفرما را بپذیرد؟! حتی اگر توجیه کارفرما حفاظت از میدان نفتی باشد؟

قرار نیست سود پیمانکار را محدود کنیم. عرض کردم کمیته مشترک براساس رفتار میدان درباره برنامه‌های توسعه و تولید تصمیم می‌گیرد. اگر میدانی با وجود اجرای کامل همه برنامه‌ها از طرف پیمانکار ظرفیت تولید برنامه‌ریزی شده را نداشته باشد، آن‌وقت چه باید کرد؟ در گذشته این‌طور بود که اگر پیمانکار به رقم تعهدشده تولیدش نمی‌رسید، پولی نمی‌گرفت؛ بنابراین حتی اگر میدان ظرفیت تولیدی لازم را نداشت با صرف هزینه‌های زیاد تلاش می‌کرد تا حداقل به مدت یک ماه، تولید نفت را به عدد تعهدشده در قرارداد برساند تا پولش را بگیرد. بعد هم تولید نفت میدان پایین می‌آمد و مقدار زیادی سرمایه‌گذاری هدر می‌رفت. میدان هم آسیب می‌دید. اما در مدل قراردادی جدید، هر سال وضعیت میدان بررسی شده و براساس آن، با لحاظ موارد فنی، برنامه‌ها مصوب و بودجه تعیین می‌شود.

حالا اگر براساس تصمیمات سیاسی نظیر سهمیه‌بندی اوپک یا تحریم، شرکت نفت موظف به کاهش تولید نفت شد، تکلیف پیمانکار چیست؟ آنجا که دیگر واقعیت بازار، حفاظت از میدان و مسائل فنی مطرح نیست. چرا پیمانکار باید این تصمیم حاکمیتی سیاسی را بپذیرد؟!

تصمیمات سیاسی بر آرای کمیته مشترک تأثیر نمی‌گذارد. اگر بنا باشد تولید میدان به لحاظ تکنیکی و براساس آنچه درباره رفتار میدان پیش از این عرض کردم کم شود، به طور طبیعی تصمیم‌گیری می‌شود. اما اگر غیر از مسائل فنی، دولت تصمیم بگیرد تولید نفت را کاهش دهد ابتدا اولویتش را به میادین نفتی‌ای خواهیم داد که سرمایه‌گذاری خارجی در آن صورت نگرفته است و اگر تولید نفت میدان نفتی به صورت دستوری کم شود، پیش‌بینی‌هایی برای جبران زیان آن از جانب دولت شده است.

آقای حسینی، یکی از ویژگی‌های مدل جدید قراردادهای نفتی، مشارکت شرکت‌های خارجی با شرکت‌های داخلی برای گرفتن قرارداد از وزارت نفت و شرکت ملی نفت ایران است. آیا برای گرفتن قرارداد نفتی به‌وسیله خارجی‌ها، این یک الزام است؟

ما از ابتدای مذاکرات شرکت‌های خارجی را به داشتن شریک ایرانی تشویق کرده‌ایم.

تشویق با الزام تفاوت دارد. سؤال من این بود که شراکت شرکت‌های خارجی با شرکت‌های داخلی یک الزام قراردادی خواهد بود؟

در بخش اجرائی قرارداد که کار عملیاتی و اپراتوری انجام می‌شود، مشارکت شرکت‌های خارجی با شرکت‌های داخلی یک الزام قراردادی است.

یعنی یک شرکت خارجی خودش به تنهایی نمی‌تواند پروژه‌ای را اجرا یا اپراتوری کند؟

توجه داشته باشید که هیچ شرکت بزرگ بین‌المللی نفتی خودش به‌تنهایی وارد فاز اپراتوری و اجرای پروژه نمی‌شود. معمولا شرکت‌های بزرگ، پول، دانش فنی و مدیریت‌شان را می‌آورند و اپراتوری و اجرا را با مشارکت دیگران انجام می‌دهند. مدل جدید قراردادهای نفتی در این بخش، که به نام اجرای پروژه شناخته می‌شود، الزام دارد که شرکت‌های خارجی باید با مشارکت شرکت‌های داخلی کار را انجام دهند. این روش به انتقال تکنولوژی به شرکت‌های داخلی کمک می‌کند. با توجه به رشد شرکت‌های داخلی در چند سال گذشته، به نظرم این مشارکت می‌تواند به طرف‌های خارجی هم کمک کند؛ برای مثال شرکت‌های ایرانی می‌توانند حفاری یا لرزه‌نگاری کنند، اما ممکن است پول اجرای کامل پروژه را نداشته باشند.

در اینجا یک بحث مهم مطرح است. چه نهادی صلاحیت شرکت‌های داخلی برای مشارکت با شرکت‌های خارجی را تأیید می‌کند؟ یک بحث این بود که اتاق بازرگانی این کار را انجام دهد. که ممکن است ابهامات زیادی را بیافریند. یک بحث هم این است که شرکت ملی نفت ایران صلاحیت‌ها را تأیید خواهد کرد. یک نظر هم این‌است که اساسا چرا باید صلاحیت شرکت‌ها از سوی یک نهاد تأیید شود. این گروه معتقدند شرکت‌های نفتی خارجی خودشان معیار و عقل دارند و می‌توانند شرکای مناسب خود را انتخاب کنند.

براساس قانون، شرکت ملی نفت باید صلاحیت شرکت‌ها را تأیید کند. حالا ممکن است شرکت ملی نفت با اتاق بازرگانی در این زمینه همکاری‌هایی داشته باشد یا نداشته باشد. این بستگی به شرکت ملی نفت ایران دارد، اما اینکه اتاق بازرگانی علاقه‌مندی‌هایی برای ورود به موضوع داشتند، بله علاقه‌مند بودند.

دو نگرانی درباره ورود اتاق‌های بازرگانی ایران یا تهران به موضوع تأیید صلاحیت‌های شرکت‌های داخلی برای مشارکت با شرکت‌های خارجی در قراردادهای نفتی وجود دارد. یکی اینکه احتمالا اتاق بازرگانی به اندازه شرکت ملی نفت ایران به ابعاد مختلف کار در پروژه‌های نفتی اشراف ندارد که بخواهد توانمندی شرکت‌ها را ارزیابی کند. دوم آنکه ممکن است بخشی از شرکت‌ها یا فعالان اتاق به عنوان بخشی خصوصی خواهان مشارکت در قراردادهای نفتی باشند که باعث ذی‌نفع‌بودن آنها می‌شود؛ بنابراین کار سخت می‌شود.

همان‌طور که عرض کردم، براساس قانون، تأیید صلاحیت شرکت‌ها برای حضور در قراردادهای نفتی، برعهده شرکت ملی نفت و وزارت نفت است. اما من یک ایده شخصی دارم. اتاق بازرگانی می‌تواند محور یک کار مهم باشد. ممکن است شرکت‌های داخلی عضو اتاق، به‌تنهایی توان مالی کافی برای شرکت در پروژه‌های نفتی را نداشته باشند. اما اگر در کنار هم قرار گیرند، قطعا این توان مالی ایجاد خواهد شد. اگر این شرکت‌ها پول‌هایشان را زیر نظر اتاق در یک حساب واحد بگذارند، ولی یک شرکت مدیریت این حساب را در اختیار داشته باشد، می‌توانند در پروژه‌های نفتی شرکت کنند. اتاق بازرگانی می‌تواند چنین محوریتی داشته باشد و این مدیریت را ایجاد کند. اجازه دهید همین جا به این نکته هم اشاره کنم که اگر صلاحیت شرکت‌های داخلی و خارجی تأیید و قرارداد منعقد شود، شخصا نگران تأمین سرمایه‌اش نیستم. چون بانک‌های خارجی قراردادهای نفتی ایران را تأمین مالی خواهند کرد.

نکته قبلی سؤال من بی‌پاسخ ماند. اساسا چه الزامی وجود دارد که شرکت ملی نفت یا هر نهاد دیگری بخواهد شرکت‌های داخلی را برای مشارکت با خارجی‌ها تأیید صلاحیت کنند. مگر شرکت‌های خارجی با سوابق طولانی‌شان نمی‌توانند شرکای معتمدشان را انتخاب کنند؟ شرکت ملی نفت می‌تواند در مرحله ارائه پیشنهاد، صلاحیت شرکت خارجی یا کنسرسیوم داخلی - خارجی را تأیید یا رد کند. به‌عبارت دیگر، شرکت ملی نفت در انتخاب شرکای داخلی برای شرکت‌های خارجی دخالت نکند، اما بعد از ارائه پیشنهاد رسمی آنها برای توسعه میدان یا انجام پروژه، صلاحیت‌شان را بررسی کند.

اگر قرار باشد شرکت ملی نفت ایران در بررسی صلاحیت‌ها ورود نکند بیم دلال‌بازی می‌رود. ممکن است یک شخص یا شرکت بی‌صلاحیت یا حتی یک شرکت کاغذی برود و به شرکت‌های خارجی بگوید که من فلان ارتباطات را دارم یا فلان پشتیبانی‌ها را دارم و می‌توانم قرارداد را برایتان بگیرم! ورود شرکت ملی نفت برای تأیید صلاحیت‌های شرکت‌ها برای جلوگیری از رانت‌بازی است.

در تهیه یک فهرست از پیمانکاران صاحب صلاحیت، حتی از سوی وزارت نفت هم ممکن است بالاخره اعمال نفوذ یا به نوعی ارتباطات تأثیرگذار باشد. اصولا هرگونه محدودیتی در این‌گونه مسائل ممکن است باعث بروز شائبه‌هایی شود.

در این بحث، نکته مهم اینجاست که فهرست شرکت‌های صاحب صلاحیت داخلی را نمی‌بندیم. وضعیت شرکت‌ها بررسی می‌شود و صلاحیت‌شان به طرف‌های خارجی اعلام می‌شود؛ مثلا ممکن است این فهرست حاوی نام ۲۰ شرکت داخلی باشد. حالا اگر شرکت خارجی، مایل بود شرکت داخلی بیست‌ویکمی را که خارج از فهرست است، برای مشارکت انتخاب کند، آزاد است آن را به وزارت نفت معرفی کند و ما کمک می‌کنیم تا صلاحیت آن شرکت داخلی مشخص شود.

فهرست پیمانکاران داخلی صاحب صلاحیت را دقیقا چه مرجعی مشخص می‌کند؟

معاونت پژوهش و فناوری وزارت نفت با مدیریت آقای دکتر محمدرضا مقدم، عهده‌دار این مسئولیت است.

آقای حسینی، کمیته بازنگری قراردادهای نفتی پس از ماه‌ها تلاش، قرار است مدل جدید قراردادهای نفتی ایران را در کنفرانسی در هشتم و نهم آذر معرفی کند. قطعا در این کنفرانس ابعاد مختلف قرارداد معرفی خواهد شد. سؤالم این است که این قراردادها چندساله خواهد بود؟

قراردادها بلندمدت و ۲۰ساله است. حسن قراردادهای بلندمدت این است که پیمانکار چون می‌داند منافعش برای مدت طولانی از این میدان نفتی تأمین می‌شود، مانند بچه خودش از آن به دقت مراقبت خواهد کرد.

نکته دیگر پیچیدگی‌های اجرای این قراردادهاست. می‌خواهم به تجربه عراق در این زمینه اشاره کنم؛ یک روز شرکت‌های خارجی نفتی برای سرمایه‌گذاری در عراق هجوم بردند. اما بعدا بعضی از این شرکت‌ها آرام‌آرام از پروژه‌ها کنار کشیدند. بوروکراسی عراق کارهای آنها را عقب می‌انداخت. از زبان شرکت‌های خارجی سرمایه‌گذار در عراق شنیدم که می‌گفتند تصمیمی گرفته می‌شد و برای اجرا نیازمند تأیید وزارت نفت عراق بود. مکانیزم گرفتن این تصمیم آن چنان کُند و پیچیده بود که عملا اقتصاد آن از بین می‌رفت. شما برای اینکه مدل جدید قراردادهای نفتی در روند اجرا دچار پیچیدگی نباشد چه تدبیری دارید؟

در بخش اجرائی قرارداد IPC که کار عملیاتی و اپراتوری انجام می‌شود، مشارکت شرکت‌های خارجی با شرکت‌های داخلی یک الزام قراردادی است. فهرست شرکت‌های صاحب صلاحیت داخلی را نمی‌بندیم، وضعیت شرکت‌ها بررسی می‌شود و صلاحیت‌شان به طرف‌های خارجی اعلام می‌شود

تلاشمان این بود که روندی را طرح‌ریزی کنیم که در اجرا، کارها روان باشد. هرچند در ایران نیز گرفتن تصمیم‌ها و پیشبرد کارها زمان‌بر است، اما تلاش کردیم شانس بروز این پیچیدگی‌ها را کمتر کنیم؛ برای مثال تعداد تأییدیه‌ها را به موارد مهم محدود کرده‌ایم. از طرف دیگر می‌خواهیم شفافیت را در همه موارد ازجمله موارد مالی به‌شدت بالا ببریم. خود این مسئله شانس ایجاد فساد را کم می‌کند.

اگر در اجرای قراردادی بین طرفین اختلاف ایجاد شد چه؟ معمولا این مسئله ازجمله موارد مهم در طولانی‌شدن روند اجرای قراردادهاست.

برای این موضوع هم فکر کرده‌ایم. مراجع ثالثی را که مورد تأیید طرفین باشند، برای حل اختلافات در نظر گرفته‌ایم. این مراجع بین‌المللی هستند.

قبلا مطرح شده بود ایران ممکن است در برخی مناطق دشوار، نظیر دریای خزر سراغ نوعی از قراردادهای مشارکتی برود. آیا مدل جدید قراردادهای نفتی ایران (IPC) ارتباطی به قراردادهای مشارکت در تولید دارد؟

خیر، مدل جدید قراردادهای نفتی ایران به‌هیچ‌وجه ارتباطی به قراردادهای مشارکت در تولید ندارد. برای چه باید سراغ قراردادهای مشارکت در تولید برویم، درحالی‌که قراردادهای جدید نفتی ایران پاسخ‌گوی نیاز خواهد بود. حالا ممکن است در پروژه‌هایی دریای خزر کسی برای سرمایه‌گذاری مراجعه نکند. آن بحث دیگری است که بعدا باید درباره آن تصمیم گرفت.

شما در کنفرانس تهران، پروژه‌های صنعت نفت را که به دنبال جذب سرمایه‌گذاری هستند معرفی خواهید کرد. تعداد این پروژه‌های چقدر و بیشتر در چه حوزه‌هایی است؟

بین ۴۰ تا ۵۰ پروژه از ظرفیت‌های بخش بالادستی صنعت نفت ایران در کنفرانس تهران برای سرمایه‌گذاری به علاقه‌مندان معرفی خواهد شد. از پروژه‌های اکتشافی گرفته تا توسعه میادین نفتی و گازی.

قرار است در فوریه ۲۰۱۶ کنفرانس مشابهی در لندن برگزار کنید. خبرهایی شنیده می‌شود مبنی بر اینکه ممکن است برخی اصول مدل قراردادی یا بعضی پروژه‌ها را به‌جای تهران در لندن معرفی کنید. آیا این‌طور است؟

به‌هیچ‌وجه. مدل جدید قراردادهای نفتی ایران و پروژه‌های صنعت نفت برای جذب سرمایه‌گذاری و توسعه، به طور کامل در کنفرانس تهران معرفی می‌شود.

گزارش

۴۳ میلیون نفر مشترک اینترنت

● براساس آخرین آمارهای ارائه‌شده از کل اتصالات در کشور، ضریب نفوذ اینترنت با احتساب ۶۱میلیون‌و ۷۰۹هزارو ۹۲۹ کاربر به دست آمده است و تعداد مشترکان اینترنت بر مبنای جمعیت ۷۵میلیون‌و ۱۴۹هزار نفر در ایران، ۴۳میلیون‌و ۲۶هزارو ۲۷۹ نفر اعلام شده است. براین‌اساس ضریب نفوذ اینترنت در کشور به ۸۲،۱۲ درصد رسیده و این درحالی است که پیش از این ضریب نفوذ اینترنت در ایران، ۷۳ درصد بود. گفتنی است اینترنت موبایل با توسعه 3G در کشور به ۳۸،۶۷ رسید که نشانه اهمیت این نسل از ارتباطات است. دراین‌بین، بیشترین اتصالات کاربران به اینترنت موبایل است. اینترنت ADSL در رتبه بعدی قرار دارد و بیشترین کاربر را در کشور بعد از اتصالات موبایلی به خود اختصاص داده است. در این آمار، درصد استفاده از اینترنت ADSL در کشور به ۲۲،۰۷ رسیده است و تعداد کاربران این فناوری، ۱۶میلیون‌و ۵۸۲هزارو ۵۳ کاربر و تعداد مشترکان آن شش‌میلیون‌و ۶۳۲هزارو ۸۲۱ مشترک اعلام شده است. در شاخص اتصال اینترنت از طریق فناوری فیبر نیز شش‌میلیون‌و ۱۰۶هزار کاربر در ایران وجود دارد و ضریب نفوذ این فناوری با احتساب دومیلیون‌و ۶۵۶ هزار کاربر، ۸،۱۳ درصد برآورد می‌شود. شاید این نکته بسیار عجیب به نظر برسد، اما همچنان شش‌میلیون‌و ۹۳۴ هزارو ۷۶۰ نفر در ایران از طریق اینترنت دایل‌آپ متصل می‌شوند و ضریب نفوذ این فناوری منسوخ‌شده با احتساب سه‌میلیون‌و ۴۶۷هزارو ۳۸۰ مشترک، ۹،۲۳ درصد است. اینترنت وایمکس ضریب نفوذی ۴،۰۳ درصدی داشته و سه‌میلیون‌و ۲۸هزارو ۳۹۸ نفر از طریق این فناوری به شبکه اینترنت متصل می‌شوند. شمار مشترکان اینترنت وایمکس نیز یک‌میلیون‌و ۲۱۱هزارو ۳۵۹ مشترک اعلام شده است. پنج استان تهران، مازندران، قم، اصفهان و خوزستان بیشترین ضریب نفوذ اینترنت در کشور را دارند و تهران با ۱۴میلیون‌و ۳۹۲ هزار کاربر ضریب نفوذ ۱۱۸،۱۳ درصدی و ۱۱میلیون‌و ۸۵ هزار مشترک دارد. همچنین استان مازندران با سه‌میلیون‌و ۳۶۰هزارو ۴۷۲ کاربر و یک‌میلیون‌و ۹۱۹ هزار مشترک، از مرز صددرصد گذشته و ضریب نفوذ ۱۰۹ درصدی را به خود اختصاص داده است. برمبنای این شاخص‌ها، استان خراسان شمالی با ضریب نفوذ ۴۱ درصد، کمترین ضریب نفوذ اینترنت و کاربر در کشور را دارد.